

## رونمایی از نخستین نشریه ادبی خراسان



به مناسبت صد سالگی انجمن ادبی خراسان از مجله‌دبستان، قدیمی‌ترین مجله‌ادبی مشهدموجوددر گنجینه‌رضوی، در کتابخانه مرکزی بارگاه ملکوتی امام هشتم<sup>(ع)</sup> رونمایی شد. سید مهدی سید قطبی، کارشناس مطبوعات‌آستان قدس رضوی، در این مراسم اظهار کرد: مجله دبستان نخستین نشریه ادبی خراسان است که یک قرن از انتشار نخستین شماره آن به همت سیدحسن مُشکان طبسی در اواخر آبان سال ۱۳۰۱ می‌گذرد. وی همچنین از مجله دبستان به عنوان سومین مجله ماهانه ادبی در ایران نام برد و افزود: ظهور نشریات ادبی به شکل امروزی آن با انتشار مجله «بهار» به مدیریت یوسف اعتصام الملک(پدر پروین اعتصامی)در سال۱۳۲۸ هجری قمری در کشور آغاز شد. پس از نشریه بهار نیز مجله «دانشکده» توسط ملک الشعرا بهار در سال ۱۳۳۶ قمری منتشر شده است. سیدقطبی گفت: دبستان مجله‌ای علمی و ادبی است که با هدف ترویج زبان فارسی امروزی و بحث در چگونگی تکمیل و تهذیب آن منتشر شده است. نوبت انتشار این مجله ماهانه ومحل اداره نشریه آن نیز مشهد سر در مطبئه خراسان ذکر شده است. وی ادامه داد: وجه‌اشتراک‌نشریه‌به‌سال ۴۰قران‌ویرای آقایان طلاب‌وشاگردان و کارکنان مدارس در تمام قلمرو زبان فارسی، چه در داخل و چه خارج کشور فقط ۲۵قران بوده است. کارشناس مطبوعات آستان قدس رضوی بیان کرد: مشکان در رشته‌های مختلف علمی از جمله ادبیات، طبیعیات، فقه و اصول، زبان عربی، ریاضی، نجوم و منطق سر رشته داشته است، از این رو بر جلد مجله‌دبستان نوشته شده بود «علمی و ادبی» تا تعلیمات مختلفی را در آن ارائه کند. سیدقطبی افزود: مرور عنوان مطالب آن در سال نخست که در قالب ستون‌های ثابتی منتشر می‌شد، تأییدکننده همین موضوع است. از جمله این عناوین می‌توان به علم‌و خرافات، طب‌در اسلام، مکتب قضات در افغانستان، حرکت قلب انسان، معجزه امروزی مکاشفه قرآنی و… نام برد. وی ادامه داد: در شماره‌های ابتدایی این نشریه که سال‌های ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ منتشر شده است، بخش ثابتی نیز به نام «ادبیات» وجود داشت که مشتمل بر ۲قسمت بود. در بخش نخست اشعاری از قدما همچون خطیرالدین جرجانی، محمدبن نصیر و ناصر خسرو به چاپ رسیده است و در بخش عصر حاضر آن نیز شاهد انتشار سروده‌هایی از تجلی حسن‌زاده سبزواری، میرزا حبیب خراسانی، محمود فرخ و… هستیم.

سیدقطبی خاطرنشان کرد:مجله‌دبستان‌پس‌ازانتشارشماره۱۲آن در دوره اول، سال ۱۳۰۲ به دلیل مشکلات مالی به مدت سه سال منتشر نشد تا اینکه دوباره در آذر ۱۳۰۵ انتشار شماره‌های دوره دوم آن آغاز و تا سال ۱۳۰۶ ادامه داشت.همچنین محمد باقری دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تهران و تدوین‌کننده آثار مشکان طبسی با بیان اینکه مشکان طبسی، خاندانی شناخته شده و متولی موقوفات بسیار عطلمی در شهر طبس هستند، اظهار کرد: سیدحسن مشکان طبسی نیز در طبس متولد و تا سن هفده سالگی از محضر پدرش و سایر علما در این شهر کسب فیض کرد تا اینکه پس از درگذشت پدرش برای ادامه تحصیل به یزد و اصفهان رفت.

## معرفی کتاب

### روایت ناخدا از روزهای دفاع

معرفی کتاب «تکاوران خرمشهر، خاطرات ناخدا یکم تکاور هوشنگ صدی»

مجموعه تکاوران خرمشهر، راوی خاطرات و جان فشانی رزمندگانی است که با شجاعت و دل‌آوری در برابر دشمن متجاوز ایستادگی کردند. در این کتاب با یکی از افسران شجاع، دلیر، وطن دوست و باکفایتی آشنا می‌شوید که از قهرمانان دوران مقاومت ۳۴روزه خرمشهر است. ناخدا یکم تکاور ارتش، در کنار نیروهای مردمی و سپاه پاسداران با فداکاری و ایثار جان خود برای آزادسازی خاک میهن اسلامی، در برابر عراقی‌ها ایستادگی کردند و دشمن را در خرمشهر زمین گیر و ضربات و تلفات سنگینی بر تجهیزات و نیروهای آنان وارد کردند.

سید قاسم یا حسین، خاطرات ناخدا یکم هوشنگ صدی را بعد از سه دهه سکوت، که ناگفته‌هایی از دل‌آوری‌ها و جان فشانی‌های نیروی دریایی ارتش در خرمشهر است، نقل می‌کند.

این اثر از مجموعه «قصه‌های دریا» در دو بخش و ۲۱ فصل برای نوجوانان گردآوری، تهیه و تنظیم شده است. روایت فرمانده گردان ۶۰۰ نفری، در دفاعی که در آن ۸بار زخمی شده، ۳۴روز مقاومت، قصه رشادت‌ها و جنگاوری نیروهایش و جایگاه و نقش

تکاوران نیروی دریایی ارتش را بازگویی کند. از آنجایی‌که در بین کتاب‌ها و روایت‌های مختلف از دوران هشت ساله دفاع مقدس، خاطرات فرماندهان نیروی دریایی راهبردی ارتش کمتر نقل شده، مخاطب از زاویه نگاه دیگری با جنگ آشنا می‌شود، که نکته و جذابیت این اثر است. این اثر نوشته سیدقاسم یاحسینی است و انتشارات «سوره مهر» آن را منتشر کرده است.

## زین قنبر

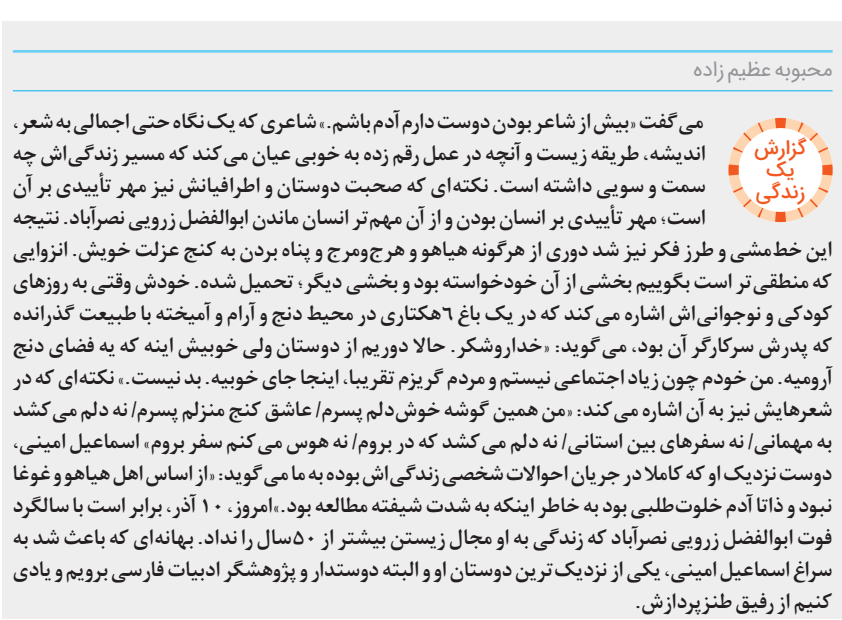
علیرضا حیدری |مدرس ویراستاری

🔴 **زبان اداری کلیشه‌ای است و خود این کلیشه باعث می‌شود نویسندگان واژه‌های استفاده‌کننده خود معنای آن‌ها را نمی‌دانند و چون این معناها را نمی‌دانند باعث می‌شود غلط‌املا بی بیشتر شود. مثلاً از کلمهٔ مزبور، استفاده می‌کنند که اغلب آن را اشتباه می‌نویسند. در حالی که، می‌توانند از واژهٔ یادشده و، از پیش گفته‌شده، استفاده کنند که اشتباه نیز پیش نیاید. زنده یاد حسن ذوالفقاری**

#زین‌قن‌د پارسی

# طناز غریب و خلوت‌گزیده

ابوالفضل زرویی نصرآباد از نگاه رفیق دیرینش اسماعیل امینی به مناسبت سالروز درگذشتش



است که دستگاه‌های فرهنگی ما نسبت به او کردند. چنان که در رابطه با دیگر بزرگان ما نیز همین اتفاق رخ داد. سید حسن حسینی کسی بود که دست آخر به این نتیجه رسید که اگر در خانه بنشیند بهتر است. درباره قیصر نیز می‌توانیم چنین بگوییم. دستگاه‌ها و فضاهای فرهنگی مادر مجموع آدم‌های بزرگ‌رانی می‌توانند تحمل نکنند. تصورشان این است که آدم‌های بزرگ باید کارمند شوند و روحیه کارمندی داشته باشند. حتی ماجرای جدا شدن عده زیادی از دوستان شاعر انقلاب در اواخر دهه شصت از حوزه هنری هم همین بود. حوزه تصور می‌کرد بزرگان شاعر باید مثل کارمند مطبع دستورات مسئول خود باشند. این روحیه روحیه خوبی نیست و اکنون حتی در محیطی مثل دانشگاه هم حاکم شده است. به این معنا که از اعضای هیئت علمی و استاد دانشگاه نیز توقع دارند تا مثل کارمند مطبع دستگاه ندهی را باشند. در صورتی که استاد نمی‌تواند چنین چیزی باشد. او خودش صاحب‌نظر است.»

حالا اما آنچه از زرویی و شعر او برجای مانده، میراثی ماندگار است برای زبان و ادبیات‌ما؛ طنزهای خوش‌خوان و فاخر به‌علاوه جریان ادامه‌داری از طنز و پرداختن به طنز.
امینیکه گاه طنزهای او به جای اینکه وقایع روز باشد ادبیات بود، به این معنا که به لحاظ زبانی متفاوت کار می‌کرد.
طریقه پرداخت‌او به موضوع‌های روز نیز به‌شیوه و نیش زبانی بود که در ایران خیلی شناخته‌شده نیست و فقط در آثار بزرگان ما به چشم می‌خورد. بزرگانی چون عطار و سنایی و مولوی و دهخدا. به بیانی دیگر، شیوه رایج سطحی نویسی در مطبوعات، خیلی نزدیک به زبان گفتار و بدون ارجاعات و تکیه‌گاه ادبی، مطلوب زرویی نبود. این شیوه طنزپردازی طبعاً مخاطب خیلی گسترده‌ای ندارد از طرفی دیگر، نیازمند کسی است که از متون و دانش ادبی اطلاع داشته باشد.»

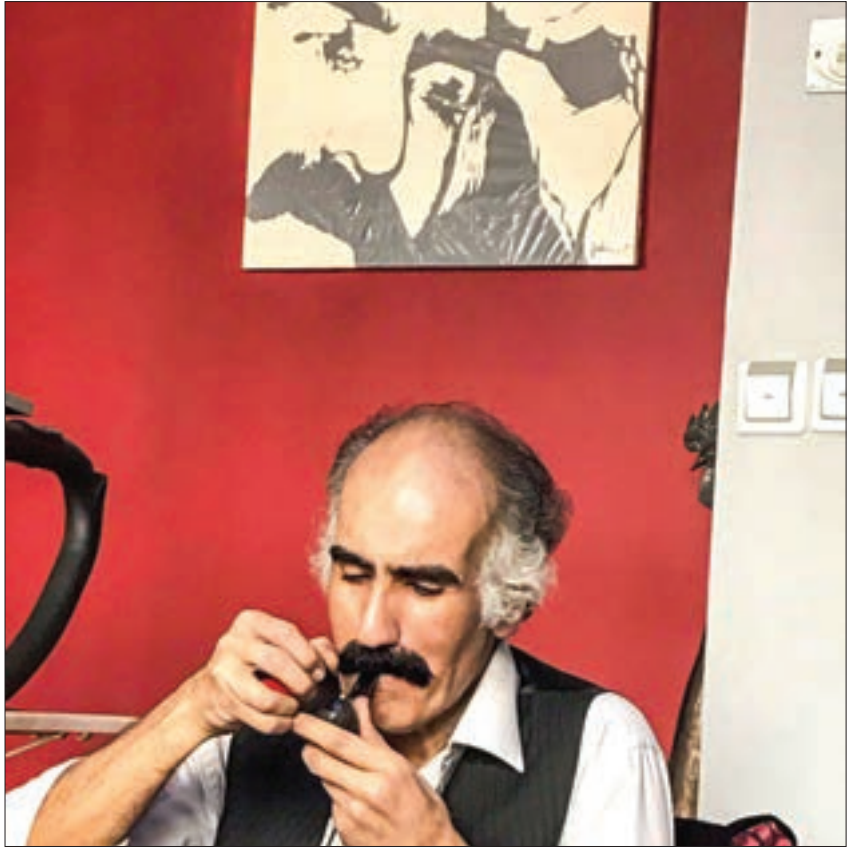
بی‌توجهی همیشگی نهادهای فرهنگی به زرویی و امثال او البته این همه داستان نیست. بی‌توجهی نهادهای فرهنگی به او البته بزرگان دیگری که به همین سرنوشت دچار شدند، باعث شد تا شنیدن خبر درگذشت این شاعر و طنزپرداز برای آن‌ها که شناخت درستی از او و جایگاهش در ادبیات فارسی داشتند، آه و افسوس فراوان به دنبال بیاورد و انتهای قصه او را غم انگیزتر کند.
امینی در این باره می‌گوید: «علت دیگر تمایل زرویی به زیستن دور از فضای شلوغ پیرامون، جنایی

### ادریس بختیاری

با شعر، گاه می‌توان به زیبایی راجع به امر زیبا حرف زد و گاه می‌توان به زیبایی راجع به امر زشت حرف زد. در شکل دوم، کار، دشوارتر است و شاید از همین روست که ما شعر کمتری درباره جنگ داریم. تازه چرسد به اینکه کتابی مستقل درباره جنگ سروده شده باشد، آن هم در قالب سپید یا شعر آزاد. «پرچم سپید متأسف» از کتاب‌های انگشت شماری است که درباره جنگ است و به زیبایی درباره یک امر زیبا سروده‌شده‌است. همان طور که جنگ، اندوهگین است، کتاب هم با یک جمله و گزاره‌اندوهگین شروع می‌شود: «این کتاب به کشتگانی تقدیم می‌شود که جنگ حتی موهبت داشتن سنگ یادبودی را از آن‌ها دریغ داشت.» بسیار موافقم که کار هنری زمانی آغاز می‌شود که کار روزنامه‌ها تمام می‌شود. در دو زمان درباره جنگ می‌نویسند و می‌سرایند؛ یکی در زمان خود جنگ که غالباً شامل حماسی و عموماً لحن شعاری پیدا می‌کند و گاه در کالبد یک بیانیه جنگ باقی می‌ماند و اگر هم در زمان خود شور و حرارتی داشته‌باشد، با چرخش زمانه و دگربردسی احوال جامعه، از تاب و تب افتاده و چون سلاحی خنثی‌شده و از کار افتاده می‌شود. شعر، چیزی جز روزنامه‌و این‌طور چیزی است و چون زیبایی، امر نامیرا و مستقل از زمانه است، نباید حیاتش را معطوف به زمان و مکانش کند. امر زیبا باید در هرجا و هرکجا زیبا باشد.

● **پرچم سپید متأسف** با شعر زیبایی هم شروع می‌شود و شاید زیباترین یا جزو زیباترین شعرهای کتاب باشد: معصوم‌ترین مردگان / کشتگان بمباران‌های هوایی هستند / هیچ چیز به اندازه جنگ / آدم را از آسمان نمی‌ترساند

غمگینی و ترس، دو حالت روانی مخربی است که در وجهی ملموس در جنگ ظاهر می‌شود و جنگ این‌ها



### با اهل هنر جهان به کین است

ابوالفضل زرویی نصرآباد متولد سرآسیاب مهرآباداست وبعدهبه احمدآباد مستوفی نقل مکان کرد. تحصیلات ابتدایی وراهنمایی‌را همین‌جاگذراند.بعدردانشگاه آزادواحدتهران رشته‌ادبیاتقبول‌شدوتافوق‌لیسانس ادامه‌داد. متولد۴۸ ودهه‌هفتادستون بسیار معروف «تذکره‌المقامات»، با امضای ملانصرالدین را در هفته نامه «گل‌آقا»می‌نوشت‌وسرانجام‌آذر سال۹۷میان‌ما رفت. آن‌گونه‌که‌امینی‌می‌گوید‌اواسبقه‌دوبار جراحی قلب باز نیز داشته‌است. سید مهدی شجاعی پس از مرگ او نوشت: «رحلت غریبانه ابوالفضل زرویی نشان داد که عرصه فرهنگ و ادب و هنر در کشور ما بی‌صاحب‌ترین است و هیچ قوه تمیز و تشخیصی می‌کند که هیچ لزومی ندارد.»

«در حلقه‌رندان»، «متعاقب‌با آن، اولین شب طنز ایران با عنوان «شب خلوت». پایه‌گذاری نخستین جشنواره طنز دانشجویان سراسر کشور در سال ۱۳۷۹ در حوزه هنری، رویدادی که البته در دوره‌های بعد برگزار نشد، اما به حدی کار مؤثری بود که خود دانشگاه‌ها اقبال نشان دادند و تقریباً تمام دانشگاه‌های ایران به صورت مقطعی جشنواره‌های طنز برگزار کردند که خیلی از آن جشنواره‌ها را خود ابوالفضل زرویی نصرآباد داوری کرد است. نخستین جشنواره بین‌المللی طنز کشور نیز یکی دیگر از اقدامات مؤثر اوست که آن‌هم در حوزه هنری برگزار شد و ۱۵ کشور از سراسر دنیا در آن حضور داشتند و زرویی طراح و دبیرش بود. اولین وقایع‌نامه طنز ایران نیز یکی دیگر از اقدامات مهم اوست که با همکاری فریبا فرشاده‌مهر به نتیجه رسید.

● ماه به روایت‌آه
هرچند او را بیشتر با اشعار طنز و به عنوان یک طنزپرداز می‌شناسند، با این حال، او آثار غیر طنز هم دارد که یکی از شاخص‌ترین‌های آن کتاب «ماه به روایت‌آه» است که به بازنویسی زندگی حضرت ابوالفضل<sup>(ع)</sup> پرداخته‌است. کتابی که در نخستین دوره جایزه کتاب عاشورایی دعبل نیز برنده جایزه شد. او شعری در وصف قمر بنی‌هاشم دارد که به خاطر زبان و بیان خفمیش بسیار شهره شده و مطلع آن چنین است: «شراه می‌کشدم آتش از قلم در دست / بگو چگونه توان برد سوی دفتر دست/ قلم که عود نبود، آخر این چه خاصیتی است/ که با نوشتن نامت شود معطر دست…»

دوم. در آنجا از زبان راوی می‌شنویم که طبیعت، بی‌توجه به جنگ به زیبایی و حیات خود ادامه می‌دهد. درخت و دشت و دمنی که در جنگ است، بی‌آنکه سستی از طرفین را بگیرد یا علیه دیگری باشد، حیات خود را ادامه می‌دهد. پاییز و بهار می‌آیند و می‌روند مثل سابق و پیش از جنگ و برای طبیعت اهمیتی ندارد در جنگ چه می‌گذرد:

چکمه‌های همسنگر مرده‌ام / می‌درخشد / شب سال نو
چه قالبی خوب‌تر از هایکو تا بتواند گوشه‌ای از جنگ را این‌گونه با تبدیل تراژی به درام، چون عکسی به تصویر بکشد؟ انگار در جایی باید روایت را کنار گذاشت و آن دم بی‌گناه و کوتاه را در گوشه‌ای گیر انداخت و نمایان کرد، چرا که اگر بخوای مفصل‌تر از این بگویی، تراژدی‌ها مجال بروز پیدا می‌کنند. کافکا در جایی، زندگی را می‌سناید و آن را واقعی‌تر از هنر و ادبیات می‌داند. اصالت را به خود زندگی می‌دهد. زندگی را قوی‌تر و قلندرتر از هر چیزی می‌داند. جنگ به‌رغم توانایی‌هایش در تخریب زندگی و انسان، باز نمی‌تواند همه زندگی را نابود کند. باز زندگی است که چون جوی آب و سبزه و علف، می‌روید و جریان پیدا می‌کند و جنگ و هر چیز را دست می‌اندازد. چنان که شاعر می‌گوید: «مهربانی با تمام وجود/ در مویرگ‌ها جریان دارد…» و باز می‌نویسد: اسرای جنگی/ به وطن باز می‌گردند/ از راهی شهر به هراس می‌افتند/ آن‌گاه ترجیح می‌دهند در خانه بمانند / او به نرده‌ها رنگ آبی بزنند
چه چیز جز عشق و عاطفه مستتر در آن می‌تواند این‌گونه دامن جنگ را از خاک برچیند و صورت زخمی‌اش را التیام دهد و از لایه‌لای پسماندهای جنگ، این‌گونه گیاهی زیبا برویاند و تلی از خاک را به گلستانی بدل کند؟ همین است که شاعر معتقد است: «یک شعر عاشقانه، بهتر از هر تفنگی قلب آدمی را نشانه می‌گیرد» در نهایت جنگ نیز نوعی از انواع مردن است: «تا تابوت… گویا می‌خواست رازی از انواع مردن را/ برای ما/ آشکار کند»

## مهربانی با تمام وجود در مویرگ‌ها جریان دارد

#### چهره جنگ در کتاب شعرِ «پرچم سپید متأسف» اثر جواد گنجعلی

است آنچه بیش از همه در شعرهای جنگ، ظهور و بروز دارد، عنصر عاطفه است؛ یکی از پنج عنصر اصلی شعر: هم‌زمان/ اسعی می‌کنند آهنگی قدیمی را با سوت بزنند/ و نام یکدیگر را را به‌خاطر بسپارند/ وقتی حلقه محاصره تنگ‌تر می‌شود

آنچه به‌جز عاطفه در این شعر است، جاری بودن زندگی در این اثر جنگ به‌صداقیق عاشق بیشتر مدنظر است و صرفاً به جنگ خاصی در طول تاریخ اشاره ندارد و باز تأکید می‌کنم این رویکرد، منافاتی با سرودن برای یک جنگ یا دفاع مشروع یا سربازان متخاصم ندارد. پس در این صورت، جنگ می‌تواند امری باشد که ترس و غم می‌آفریند و این ترس و غم بیشتر متوجه جامعه است و انسان‌های معصومی که قربانی جنگ هستند و نقشی در جنگ نداشته‌اند و در شب یا سپیده‌ای ناگهانی، بر بستر و با حمله‌هوایی دشمن کشته شده‌اند و باقی‌مانده‌ها به‌خاطر جنگ است که از آسمان می‌ترسند. آسمان، پدیده‌ای زیباست و این تنها جنگ و ردیف هواییماهد که در کالبد عنصری زشت، آدم را از آسمان،

ایـن عنصر همیشه زیبا، می‌ترسـاند.

زشتی چنان می‌تواند پلید باشد که آدم را از زیبایی

ترساند.

● زندگی، واری جنگ

● زندگی، واری جنگ